



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم • شماره چهارم • زمستان ۱۴۰۳

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 7, No. 4, Winter 2025



مراحل تربیت اخلاقی با ملاک ترتیب منطقی ناظر به

ساحت‌های چهارگانه رفتار

مرتضی بخشی گلسفیدی* | هادی حسین خانی**

doi: 10.22034/ethics.2025.51733.1743

چکیده

تدوین مراحل تربیت برای تحقق تربیت اخلاقی ضروری است و برای تدوین این مراحل، از ملاکات متعددی مانند ملاک ترتیب منطقی استفاده می‌شود. در ضمن از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های رفتار اختیاری انسان، تقسیم بر اساس ساحت‌های چهارگانه رفتار است. حال پرسش آن است که تربیت اخلاقی، بر اساس ملاک ترتیب منطقی، ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتار اختیاری، چگونه مرحله‌بندی می‌شود؟ در این پژوهش، به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و استناد به آیات و روایات، در صدد پاسخ به این پرسش برآمده‌ایم. مراحل تربیت اخلاقی با ملاک ترتیب منطقی، ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتار (ساحت الهی، ساحت فردی، ساحت اجتماعی، و ساحت زیست محیطی) است. تقدم تربیت در ساحت الهی بر همه ساحت‌ها، نشان‌دهنده اهمیت توحید و ایمان به خدا در همه مراحل تربیت اخلاقی است. همچنین تقدم تربیت در ساحت فردی بر تربیت در ساحت‌های اجتماعی و زیست محیطی حاکی از تقدم متعادل ساختن نفس بر تربیت و اصلاح رفتار در دو ساحت دیگر است.

کلیدواژه‌ها

تربیت اخلاقی، مراحل تربیت اخلاقی، تربیت توحیدی، ترتیب منطقی، ساحت‌های چهارگانه.

* دانش‌آموخته دکتری مدرسی معارف اسلامی، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. (نویسنده مسئول) | Mortezaabakhshi3097@gmail.com

** استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. | h.kh@iki.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

■ بخشی گلسفیدی، مرتضی؛ حسین خانی، هادی. (۱۴۰۳). مراحل تربیت اخلاقی با ملاک ترتیب منطقی ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتار. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۷(۲۵)، ۸۵-۱۰۶. doi: 10.22034/ethics.2025.51733.1743

۱. مقدمه

در اهمیت تربیت اخلاقی همین بس که یکی از اصلی‌ترین اهداف بعثت پیامبران تزکیه و تهذیب نفس و پرورش ارزش‌های اخلاقی بوده که در آیات مختلف قرآن کریم به آن اشاره شده است (سوره جمعه، آیه ۲)، از طریق تربیت اخلاقی محقق می‌شود، نه دفعی، بلکه به تدریج حاصل خواهد شد؛ زیرا روح و جسم انسان دارای تغییر تدریجی هستند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰).

برای تحقق تربیت اخلاقی نیاز است که فعالیت‌های تربیت اخلاقی و اهداف مورد نظر به صورت منظم، چیدمان طولی شوند. چنین منظم فعالیت‌های تربیت اخلاقی و قرار دادن گام به گام آنها در قالب یک سیر و فرایند تربیتی، با تدوین مراحل تربیت اخلاقی محقق خواهد شد. عدم تدوین مراحل تربیتی چه‌بسا افزون بر ایجاد سردرگمی در امر خطیر تربیت اخلاقی، سبب کاهش بازدهی تربیت و حتی نتیجه عکس شود. از این‌رو، ضرورت دارد که مراحل تربیت اخلاقی با دقت ترسیم شود. فعالیت‌های تربیت اخلاقی به نوعی مجموعه اهداف میانی تربیت اخلاقی هستند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹-۲۲۰) که بر اساس مبادی مورد پذیرش هر مکتب اخلاقی، تدوین و بر اساس ساحت‌های تربیتی انسان دسته‌بندی می‌گردد. بر اساس تعریفی که - در ادامه - ارائه خواهد شد، از یک طرف اخلاق افزون بر صفات و ملکات نفسانی، رفتارهای اختیاری و ارزشی انسان را هم شامل می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۲۱۴)، از طرفی دیگر، تقسیم‌بندی ساحتی انسان بر اساس متعلق رفتارهای اختیاری که عبارت است از ساحت‌های چهارگانه الهی، فردی، اجتماعی، محیط زیستی، یکی از مهم‌ترین نوع تقسیم‌بندی‌ها محسوب می‌گردد. در این دسته‌بندی، رفتارهای ارزشی انسان و یا به عبارتی، اهداف مطلوبی که لازم است در تربیت اخلاقی به آنها نائل شد به چهار گروه منحصر می‌گردد و تربیت شدن انسان، در واقع، تربیت در این چهار ساحت است، چون تربیت فرایندی تدریجی می‌باشد، لازم است که این اهداف تربیت ناظر به ساحت‌های چهارگانه به صورت مراتب طولی دسته‌بندی شوند، تا یکی بعد از دیگری قابل دستیابی باشند. این چیدمان طولی به چه نحوی است؟

لازم به ذکر است که برای تدوین مراحل تربیت اخلاقی ملاک‌های متعددی بیان می‌شود از جمله: رشد، ترتیب منطقی، اولویت محتوایی و اولویت ساختاری؛ تبیین مختصر هر یک از این قرار است که الف) در ملاک رشدی، بر اساس سنّ متربی و میزان قابلیت او مراحل تربیت اخلاقی توصیه می‌شود؛ ب) در ملاک ترتیب منطقی، چیدمان منطقی محتوا تنها مدّ نظر است؛ ج) در اولویت محتوایی، اهمیت تحقق محتوا ملاک قرار می‌گیرد؛ د) در اولویت



۸۶

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم

شماره چهارم

زمستان ۱۴۰۳

ساختاری، فارغ از محتوا، تنها مراحل اجرایی چپ‌نیش می‌گردد. ترتیب منطقی به دلایلی که ذیل مفهوم‌شناسی بیان خواهد شد، یکی از مهم‌ترین این ملاکات است. سؤال پژوهش حاضر آن است که فارغ از فعالیت‌های جزئی ذیل هر یک از ساحت‌ها، آیا می‌توان این چهار ساحت اصلی را بر اساس ملاک ترتیب منطقی به صورت طولی مرحله‌بندی نمود؟ به عبارتی، فعالیت‌های کلی تربیت اخلاقی ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتارهای اختیاری انسان، با ملاک ترتیب منطقی چگونه مرحله‌بندی خواهند شد؟ و از جهت رتبه یا زمان تحقق، چیدمان طولی این چهار دسته از فعالیت‌ها چگونه خواهد بود؟

پژوهش حاضر در صدد بیان مراحل تربیت اخلاقی با ملاک ترتیب منطقی است. روش جمع‌آوری داده‌ها در این مقاله به صورت کتابخانه‌ای و روش تحقیق و بررسی داده‌ها توصیفی-تحلیلی است. با مراجعه به مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های محققین و صاحب‌نظران عرصه تربیت اخلاقی - اعم از کتاب‌های چاپی و دیجیتال - و همچنین کتب روایی و قرآن کریم و در ضمن، کتب مربوط به واژه‌شناسی، قسمت‌های مرتبط با پژوهش حاضر مطالعه شده و داده‌های لازم جمع‌آوری گردید، سپس با دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، تلاش شد که پاسخ مناسبی به سؤالات فوق ارائه شود. لازم به ذکر است که روش کشف ترتیب و تقدّم و تأخّر منطقی بین ساحت‌ها، به یکی از طرق استدلال عقلی، روش تجربی و یا نقلی معتبر ممکن است که البته، در مقاله حاضر بیشتر از روش نقلی معتبر و در ضمن آن استدلال عقلی، استفاده شده است.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد مراحل تربیت اخلاقی آثار متعددی نگاشته شده است: رساله «طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی در قرآن با تأکید بر تربیت بزرگسالان» اثر محمد صادق موسوی‌نسب؛ که مراحل تربیت را به ترتیب، کسب صلاحیت، ایجاد ارتباط، دعوت به نگرش توحیدی، دعوت به زندگی دینی و ارزشیابی و تداوم تربیت شناسانده است - بر خلاف مقاله حاضر - ملاک اولویت ساختاری را برگزیده است و همچنین توجه مستقلى به ساحت‌های چهارگانه ندارد. رساله «فرآیند تربیت اخلاقی انسان در قرآن با نگاه به ترتیب نزول سوره و آیات» اثر ایوب اکرمی که در این تحقیق مراحل تربیت - به صورت مختصر - شامل اصلاح زمینه‌گرایی - شناختی، توحید صفتی، توحید افعالی و توحید در عبودیت است. در این اثر، تمایز رفتاری انسان در چهار



ساحت مدّ نظر نبوده و تمام تلاش محقق بر جانمایی تربیت اخلاقی در ساحت الهی است. مقاله «بررسی مراحل تعلیم و تربیت بر اساس اولویت‌های محتوایی» اثر سید عباس موسوی و علی مددی نیز بر اساس ملاک اولویت محتوایی، به تدوین مراحل تربیت در سه دوره کودکی، نوجوانی و جوانی پرداخته و در این مقاله، توجهی به ملاک ترتیب منطقی نشده است.

در مقاله «مراحل تربیت انسان اخلاقی با تأکید بر نقش اراده» اثر طاهره رجبی و محمود نیک‌آیین و محمد نجفی، مراحل تربیت به ترتیب عبارت است از انسان متفکر، انسان متذکر و انسان عامل. در این اثر تنها یک رفتار به نام «اراده» محور بحث قرار گرفته شده و هیچ دسته‌بندی دیگری از رفتارهای انسان لحاظ نشده است، از طرفی هم شاید به قطعیت نتوان گفت که طبق چه ملاکی این مراحل تدوین شده است. در کتاب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی تألیف گروهی از نویسندگان، هرچند به انواع ملاکات تدوین مراحل پرداخته شده و به بیان چند قاعده منطقی جهت تدوین مراحل نیز اشاره شده، ولی تدوینی برای مراحل تربیت اخلاقی و آنهم ناظر به ساحت‌های چهارگانه صورت نگرفته است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، عموم این آثار از ملاکات دیگری غیر از «ترتیب منطقی» برای مرحله‌بندی استفاده کرده‌اند. ضمن اینکه مراحل آنها ناظر به ساحت‌های چهارگانه نیز نبوده است و هر محقق از نگاه خاص خود به تدوین مراحل تربیت اخلاقی همت گماشته است. همچنین در کتاب فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی پژوهشی در راستای تدوین مراحل صورت نگرفته است و مطالب آن بیشتر ناظر به مباحث زیربنایی و مبادی نظری تدوین مراحل است.^۱ با این توضیحات، در پژوهش‌های موجود، مطلب مستقلی پیرامون تدوین مراحل تربیت اخلاقی با ملاک ترتیب منطقی ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتار یافت نشده و در آنها پاسخی به پرسش اصلی این مقاله داده نشده است؛ و از این‌رو، مقاله حاضر از نوآوری برخوردار است.

۳. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث بیان مراحل تربیت اخلاقی لازم است که توضیحی پیرامون برخی از مفاهیم ارائه شود.

۱. آثار دیگری نیز پیرامون مراحل تربیت اخلاقی نگاشته شده است که غالب آنها از ملاک رشد استفاده کرده و هیچ توجهی به ساحت‌های چهارگانه رفتار نداشته‌اند: مانند کتاب نگاهی دوباره به تربیت اسلامی اثر خسرو باقری، کتاب فرآیند تربیت انسان اثر محمد شریفانی و محسن قمی، کتاب مراحل تربیت اثر موریس دبس، ترجمه علی محمد کاردان.

۱.۳. مراحل

مراحل جمع مرحله و به معنای «منزل» بوده و به «مقداری از مسیری که باید طی شود» گفته می‌شود (عبدالنعم، ۱۳۷۵، ص ۶۴۲). با توجه به اینکه تربیت اخلاقی یک فرایند است و از مجموعه فعالیت‌های متعددی تشکیل می‌شود، در هر مرحله از تربیت اخلاقی مقداری از فعالیت‌های تربیتی محقق خواهد شد. از این‌رو، در اصطلاح، مرحله عبارت است از مجموعه‌ای از فعالیت‌های تربیت اخلاقی، به گونه‌ای که هر مرحله دامنه محدود داشته و از نظر زمانی در طول مرحله قبلی و بعدی بوده و مترتب برهم می‌باشند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۷).

۲.۳. تربیت اخلاقی

تربیت یا از ماده «ربو» و به معنای برآمدگی و زیادی بوده (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ۳۰۴) یا از ماده «ربب» و به معنای پرورش گام به گام است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۳۶). معادل فارسی تربیت، پرورش و پروراندن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۶۶۰۱). در اصطلاح، پروراندن قوای فکری و بینشی را یکی از ابعاد پرورش متری لحاظ کرده و تعلیم و بینش‌دهی را جزء پرورش و تربیت می‌دانیم و تعلیم را از تربیت جدا نخواهیم ساخت. از این‌رو، «تربیت» عبارت است از «فرآیند انتقال و تعمیق بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادهای انسان در همه ابعاد وجودی او برای رسیدن به کمال مطلوب» (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۰).

اخلاق هم جمع «خُلُق» و «خُلُق» بوده و به معنای سنجیه، خوی و طبع به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۶). در اصطلاح، برای اخلاق تعاریف متعددی ذکر کرده‌اند، ولی طبق دیدگاه برگزیده، منظور از اخلاق، ملکات و صفات و حالات نفسانی و رفتارهای ارزشی انسان است که متصف به خوب یا بد می‌شود و می‌تواند برای انسان کمال یا نقص ایجاد کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱ الف، ج ۱، ص ۲۱۴؛ مظاهری، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۱). برخی از محققین نیز این قول را پذیرفته‌اند که موضوع علم اخلاق اعم از ملکات و صفات درونی انسان و رفتارهای اختیاری است و به تبع آن موضوع تربیت اخلاقی نیز اعم از کسب صفات و ملکات و تحقق رفتارهای اختیاری ارزشمند است (همت بناری، ۱۳۷۹). هدف نهایی و کمال مطلوب در این اخلاق، قُرب الهی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۴۵-۳۳۲). با این توضیحات، تربیت اخلاقی عبارت است از «فرایند انتقال و تعمیق بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادهای انسان به منظور اکتساب



صفات و رفتارهای خوب و اجتناب از صفات و رفتارهای بد، در مسیر تحقق قرب الهی».

۳.۳. ترتیب منطقی

ترتیب منطقی در کنار سه ملاک ترتیب رشد سنی، تربی، اولویت محتوایی و ترتیب ساختار اجرایی از ملاکات چهارگانه‌ای است که برای مرحله‌بندی تربیت اخلاقی می‌توان از آن بهره برد. در ملاک رشد سنی، یک مقطع از طول عمر مرتبی مثلاً دوره کودکی را در نظر می‌گیرند و با توجه به قابلیت‌ها و استعدادهای درونی این مقطع، برای مرتبی اهداف میانی خاصی ترسیم می‌کنند و متناسب با آن فعالیت‌های تربیتی را برای او برنامه‌ریزی می‌نمایند (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۹ و ۳۴۶). در ملاک اولویت محتوایی، چیدمان طولی اهداف و فعالیت‌های تربیتی بر اساس میزان تأثیر آنها در رسیدن به هدف نهایی تربیت صورت می‌پذیرد و هر فعالیتی که در این جهت مؤثرتر باشد در مرحله‌بندی مقدم خواهد شد؛ مثلاً انجام واجبات مقدم است بر مستحبات (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۷۱-۳۷۳).



۹۰

فصلنامه علمی-پژوهشی اخلاق پژوهی

سال هفتم

شماره چهارم

زمستان ۱۴۰۳

در ملاک ترتیب ساختار اجرایی، در واقع، اجرای تربیت اخلاقی مرحله‌سازی می‌شود. در این نوع از مرحله‌بندی، متولیان امر تربیت باید به مقدمات و مؤخرات اجرای تربیت و هر آنچه که در افزایش بازدهی فعالیت‌های تربیتی مؤثر است، اهتمام ویژه داشته باشند تا فرایند تربیت به بهترین و با کیفیت‌ترین شکل ممکن اجرا شود؛ مثلاً توجه داشته باشند که پیش از فرایند تربیت «ارزیابی اولیه» بسیار مهم است و در پایان کار هم از «ارزیابی نهایی» غفلت نشود (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۳۹ و ۳۴۶). از آنجا که این مراحل به ساختار مربوطند نه به محتوا، تعیین آنها هم توسط علم مدیریت انجام می‌پذیرد، اما بر اساس ملاک ترتیب منطقی، تقدم برخی مراحل بر برخی دیگر به جهت پیش‌نیاز منطقی بودن آن است و مرتبی تنها پس از موفقیت در مرحله اول، قابلیت تربیت در مرحله دوم را پیدا خواهد کرد، مثلاً برای تحقق یک فعل ابتدا باید بینش‌های لازم ایجاد شود و سپس گرایش به آن فعل ایجاد یا تقویت شود و در نهایت با تعلق اراده به آن فعل اختیاری بوجود آید.

هر یک از ملاک‌های پیش‌گفته، ویژگی‌های خاص خود را دارد، ولی ملاک ترتیب منطقی که در صدد بیان مراحل تربیت برای متربیان دارای تمام قابلیت‌ها و استعدادهای تربیتی است، خودش را نسبت به محدودیت‌های سنی و یا محدودیت‌های زمانی و مکانی و اولویت‌بندی و حتی اجرا و پیاده‌سازی امر تربیت فارغ کرده است. طبق ملاک ترتیب منطقی، هر مرحله

از نظر منطقی بر مرحله بعدی تقدم دارد و افزایش سن و تغییر رشدی برای عبور از یک مرحله به مرحله بعدی موضوعیت ندارد. تعیین و فهم این پیش نیازها عموماً با استدلال و تحلیل عقلی و در برخی موارد با کمک نتایج تجربی میسر می شود و البته، بعضاً با روش نقلی معتبر هم می توان به صورت غیرمستقیم به برخی از پیش نیازها دست یافت (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۴۱).

۳.۴. ساحت

«ساحت» در لغت به محدوده، ناحیه و دامنه اطلاق شده (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۳۲۰۵) و در اصطلاح تعلیم و تربیت به مجموعه ای از رفتارها و افعال انسان گفته می شود که در یک دامنه خاصی قرار دارد و در عرض دیگر دامنه ها و محدوده ها قرار می گیرد (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۲۳-۳۲۴). تقسیم بندی ساحت ها به اغراض و اهداف مختلفی صورت می گیرد و ملاک های متعددی نیز دارد؛ مثلاً ساحت های جسمی و روحی نوعی از تقسیم بندی است که ملاک آن ابعاد وجودی انسان لحاظ شده است. یا ساحت های بینشی، گرایشی و رفتاری نمونه دیگری از تقسیم بندی ساحت های مرتبط با انسان است. نوع دیگری از تقسیم بندی از ساحت ها که مورد نظر مقاله حاضر نیز هست، تقسیم بندی بر اساس متعلق رفتار انسان (خود، خدا، انسان ها، محیط زیست) خواهد بود. با این توصیف ساحت های رفتاری انسان به نسبت خودش، خدا، دیگر انسان ها و محیط زیست عبارت خواهند بود از ساحت های چهارگانه فردی، الهی، اجتماعی و زیست محیطی (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۲۴-۳۳۰).

پس از بیان مقدمه، پیشینه تحقیق و مفهوم شناسی، در ادامه، مراحل تربیت اخلاقی ناظر به چهار ساحت الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی، به همراه ادله مورد نیاز و تحلیل و استدلال لازم خواهد آمد.

۴. مرحله بندی تربیت اخلاقی

مرحله بندی مورد نظر در اینجا، یعنی مرحله بندی بین عناوین اصلی اهداف تربیت اخلاقی در ساحت های چهارگانه رفتار انسان. در این مرحله بندی، تقدم و تأخر منطقی بین دسته های مختلف اهداف تربیت اخلاقی، یعنی اهداف الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی، مشخص می شود. در این بخش، آیات و روایات متعددی قابل استناد هستند که پرداختن به همه آنها خارج



از مقتضای مقاله حاضر است، از این رو، تنها به تعدادی از آیات و روایاتی که برای اثبات مقصود کفایت می‌کنند، بسنده می‌شود. ذیل هر مرحله با کمک جمع‌بندی آیات و روایات و ادله عقلی مشخص خواهد شد که ترتیب منطقی بین دسته‌های اهداف تربیتی چگونه است. مدعای این تحقیق آن است که مراحل تربیت اخلاقی فارغ از جزئیات، در چهار مرحله به ترتیب، تربیت در ساحت الهی، تربیت در ساحت فردی، تربیت در ساحت اجتماعی و تربیت در ساحت زیست‌محیطی خلاصه می‌شود. برای اثبات این مدعا، ذیل هر مرحله دلایل متعددی بیان خواهد شد.

۴.۱. مرحله اول: تربیت در ساحت الهی

«تربیت» در ساحت الهی، آن بخش از تربیت اخلاقی است که ناظر به رفتارهای متری با خداوند متعال است. اموری مانند معرفت به خدا، ایمان به او ذکر خدا، محبت و خشوع در مقابل او حسن ظن به او شکر، توکل، رضا و ... در این ساحت مطرح می‌گردد. با توجه به مجموعه آیات و روایات و ادله‌ای که بیان خواهد شد به نظر می‌رسد که نخستین مرحله از مراحل چهارگانه تربیت اخلاقی، مرحله تربیت در ساحت الهی است. ادله و آیات و روایاتی که در این قسمت قابل استناد هستند از این قرار است:

۱. آیه شریفه «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند (سوره حشر، آیه ۱۹).

در این آیه شریفه، خداوند متعال می‌فرماید که اگر خداوند متعال را فراموش کنید و به رابطه خود با خدا توجه نداشته باشید، خداوند متعال شما را به خودفراموشی مبتلا می‌سازد. در خودفراموشی، انسان نمی‌تواند رابطه صحیح با خودش داشته باشد؛ زیرا او تا به خودش توجه نکند و خودش را نشناسد نمی‌تواند رابطه مطلوبی با خودش داشته باشد.

در این آیه شریفه، فراموشی خداوند متعال سبب فراموشی نفس است. از این رو، برای جلوگیری از نسیان نفس باید ابتدا ذاکر خداوند متعال بود (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۲۰) و پیش از حسن ارتباط با خود، باید به حسن ارتباط با خدا همت گماشت. در ضمن، فراموشی پروردگار سبب می‌شود که انسان در لذت‌های مادی غرق شده و هدف از آفرینش خود را فراموش کند. او

در واقع، انسانیت خود را فراموش خواهد کرد و ممکن است تا حد یک حیوان و حتی بدتر از آن سقوط نماید و این مهم‌ترین عامل فسق و فجور و غرق در مسائل ضد اخلاقی است. از این‌رو، در پایان آیه می‌فرماید: «چنین افراد فراموشکار فاسقند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۳، ص ۵۴۰-۵۴۱).

بنابراین، آن دسته از رفتارهای اختیاری انسان که ناظر به خداوند متعال هستند، پیش‌نیاز رفتارهای انسان با خود به حساب می‌آیند. ممکن است اشکال شود که در روایاتی مانند «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۲)، شناخت خود مقدم بر شناخت خداست؛ در پاسخ بیان خواهد شد که معرفت نفس در این نوع روایت، نوعی معرفت است که خدا در آن نیز لحاظ می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن کریم می‌فرماید: «فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست (سوره بقره، آیه ۱۱۵). طبق این آیه حتی نظر به خود و شناخت نفس خود، از مسیر مشاهده وجه الله خواهد بود. از این‌رو، در درون شناخت حقیقی نفس، شناخت خدا نهفته است. با این توضیح، مضمون چنین روایاتی، خللی در مدعا ایجاد نمی‌کند، بلکه با نگاه دقیق، تأییدکننده مدعا بوده و تقدم تربیت ساحت الهی بر ساحت فردی را تأیید می‌کند.



۹۳

۲. امام علی (ع) می‌فرماید: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ تُرِيدُ وَ أُرِيدُ فَإِنْ أَكْتَفَيْتَ بِمَا أُرِيدُ مِمَّا تُرِيدُ كَفَيْتَكَ مَا تُرِيدُ وَإِنْ أَتَيْتَ إِلَّا مَا تُرِيدُ أَتَعْبَتُكَ فِيمَا تُرِيدُ وَ كَانَ مَا أُرِيدُ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۷۴). در این روایت، خداوند متعال به حضرت داوود (ع) می‌فرماید: «اگر به آنچه من اراده کرده‌ام بسنده کنی و نسبت به من مطیع باشی، چنین اطاعتی برای تو کفایت می‌کند و من حتی نسبت به آنچه تو اراده کرده‌ای کافی هستم، ولی اگر از اراده من صرف‌نظر کنی، به آنچه که می‌خواهی نمی‌رسی و در نهایت نیز خواست من محقق خواهد شد».

طبق این روایت، راه رسیدن به نقطه مطلوب و تحقق آنچه که انسان آن‌را می‌پسندد و برای او کمال است، تمسک به درگاه الهی و مطیع فرمان او بودن است. مشابه همین مضمون در برخی از آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود. طبق آیه شریفه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَّكِلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است (سوره طلاق، آیه ۲-۳)، اگر کسی تنها بندگی خدا کند و در صدد انجام وظایف خود نسبت به خدا باشد، خدا هم او را کفایت می‌کند و سعادت دنیا و آخرتش را تضمین می‌کند. از این‌رو، اگر اراده خدا را بر اراده خود

ترجیح دهد و به آن عمل کند، خدا همه امور او را سامان خواهد داد و خواسته‌اش برآورده خواهد شد (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ ق، ج ۱۹، ص ۳۱۳-۳۱۴). او دیگر نباید غمی داشته باشد؛ زیرا خدا او را کافیت: «أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ» (سوره زمر، آیه ۳۶) و تهدید کسی علیه او کارگر نخواهد بود: «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ» (سوره بقره، آیه ۱۳۷).

بر این اساس، اگر کسی دنبال اصلاح امور خود باشد - که از مهم‌ترین امور، تربیت خود است - ابتدا باید رابطه صحیح با خدا داشته و در شناخت حضرت حق و انجام وظایف نسبت به او موفق بوده باشد. با این توضیح، اگر کسی رابطه خود را با خدا اصلاح کند، خدا نیز کار او را اصلاح و او را کفایت خواهد کرد و در واقع، او را در امر تربیت یاری خواهد کرد. از این‌رو، مربی باید جهت تحقق رفتارهای صحیح در ساحت‌های مختلف، ابتدا در ساحت الهی موفقیت کسب کند.

۳. حدیث قدسی «یا ابن آدم، أكثر من الزاد إلى طريق بعيد، ... و كن لی اكن لك، ...» (شیخ حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲). در این حدیث قدسی، خداوند متعال بعد از تذکر نسبت به سفر آخرت، به انسان می‌فرماید: اگر تو برای من باشی و به دنبال بندگی من باشی، من هم برای تو خواهم بود و نسبت به همه آنچه تو نیاز داری خدایی خواهم کرد. بندگی خدا و اطاعت محض از او را شاید بتوان در رعایت تقوای الهی خلاصه کرد؛ زیرا آیات زیادی در قرآن کریم وجود دارد که همه خوبی‌ها و سعادت واقعی را تنها برای اهل تقوا قرار می‌دهد؛ مثلاً آنجا که تنها اعمال اهل تقوا پذیرفته می‌شود: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (سوره مائده، آیه ۲۷) و اهل تقوا نزد خدا گرامی‌ترین افراد هستند «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (سوره حجرات، آیه ۱۳) و هم در دنیا متنعم خواهند بود «لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (سوره اعراف، آیه ۹۶) و هم آخرتشان تضمین شده است «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ عُيُونٍ» (سوره حجر، آیه ۴۵) و چون خدا با آنهاست «وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (سوره توبه، آیه ۳۶ و ۱۲۳) راه نجاتشان همیشه فراهم است «وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا» (سوره طلاق، آیه ۲). بنابراین، اگر انسان به دنبال حل همه مسائل خود هست باید ابتدا برای خدا بندگی کند و رفتار خودش را نسبت به او اصلاح نماید و به عبارتی، انجام صحیح رفتار در ساحت الهی، مقدمه همراهی خدا و موفقیت در دیگر رفتارهای مربی خواهد بود.

۴. امام صادق (ع) فرمودند:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ (ع) أَنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ كَتَبَ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) يَا

سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَكَتَبَ (ع) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ وَمَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ (ابن بابویه، ۱۳۷۶، النص، ص ۲۰۱).

در این روایت، امام حسین (ع) در جواب فردی که خیر دنیا و آخرت را طلب نمود، فرمودند: باید رضایت خدا را بر همه چیز مقدم بداری حتی اگر جلب رضایت خدا سبب خشم مردم شود؛ زیرا خداوند متعال تدبیرکننده امور انسان است و او قادر است که همه آنچه را که یک انسان نیاز داشته باشد، کفایت کند. این کفایت او، در واقع، نوعی سامان دادن به همه رفتارهای انسان در ساحت‌های مختلف رفتاری است.

قرآن کریم هم در باب اهمیت رضایت الهی می‌فرماید: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطِ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»؛ آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند؛ چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است (سوره آل عمران، آیه ۱۶۲). همچنین قرآن کریم، هدایت و سعادت واقعی را در تحصیل رضایت الهی دانسته و می‌فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ» (سوره مائده، آیه ۱۶). هدایت بالقوه الهی زمانی به فعلیت می‌رسد که انسان در صدد خشنودی خدای رحمان باشد و آن هم هدایت به معنای رساندن به مقصود نه صرفاً به معنای نشان دادن راه (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ص ۲۴۵). هدایت هر چیز ارزشمند، از جمله تربیت را در خودش نهفته دارد. از این رو، اگر انسان رفتارش را با خدا اصلاح نماید و رضایت خدا را در اولویت رفتاری خود قرار دهد، خداوند متعال هم او را هدایت کرده و هم رفتار او با خودش و دیگران را تدبیر کرده و سرپرستی خواهد کرد و در واقع، همه‌کاره او در تربیت خواهد بود.

۵. امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند:

مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ رَدَّ اللَّهُ ذَأْمَهُ مِنَ النَّاسِ حَامِداً؛ کسی که در مقابل خشم مردم، رضایت خدا را طلب کند، خدا مردم مذمت‌کننده را به ستایش‌کننده مبدل می‌کند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۲).

طبق این روایت، کسی که رضایت خدا را طلب کند (حتی) با نارضایتی مردم، خدا مذمت‌کنندگان نسبت به او را تبدیل به ستایش‌کنندگان می‌کند و در واقع، رابطه مردم را با او اصلاح می‌کند. از این رو، اگر کسی به دنبال برقراری ارتباط صحیح با اجتماع است، باید ابتدا رضایت خدا را طلب کند و در پی اصلاح رفتار خود با خدا باشد و نسبت به وظایف خود در



مقابل خدا همت گمارد تا خدا هم رفتارهای اجتماعی را اصلاح کند.

در روایتی مشابه، امام هادی (ع) راه در امان ماندن از مشکلات اجتماعی و بدخلقی دیگران را اطاعت خدا می‌داند و می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعَ وَمَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ وَمَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَقْنُ أَنْ يَحُلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ»؛ هر که خدا را اطاعت کند، اطاعت می‌شود و هر که مطیع خداست، ترس از خشم مخلوقین ندارد و هر که خدا به خشم آورد باید یقین کند که به خشم مخلوقین دچار می‌شود (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۴۸۲)؛ چون خدا همیشه همراه بندگان واقعی خود است: «قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى»؛ خدا فرمود: ترسید، من همراه شمایم، می‌شنوم و می‌بینم (سوره طه، آیه ۴۶). چنین خدای مهربانی، انسان را در زمان‌های مختلف بویژه در مشکلات تنها نمی‌گذارد و او را به صراط مستقیم و بهترین مسیر هدایت خواهد کرد: «إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (سوره شعراء، آیه ۶۲). بنابراین، ارتباط صحیح با خدا ضامن حل مشکلاتی خواهد بود که ممکن است در ارتباط با انسان‌های دیگر و تربیت در ساحت اجتماعی رخ دهد.

در روایتی دیگر، حضرت علی (ع) فرمودند: «مَنْ أَصْلَحَ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ أَصْلَحَ اللَّهُ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ...»؛ کسی که بین خدا و خدا را اصلاح نماید، خدا رفتار او با مردم را اصلاح می‌کند (شریف الرضی، حکمت ۸۹، ص ۴۸۳). این روایت هم که تقریباً هم‌مضمون روایات فوق است و اشاره به این مطلب دارد که طریق رسیدن به یک رفتار صحیح با جامعه انسانی، اصلاح رفتار با خداوند متعال است و گویا گریزی از آن هم نیست. بنابراین، تربیت در ساحت الهی مقدم بر تربیت در ساحت اجتماعی است.

۶. قاعده تقدم ایمان بر رفتارهای ارزشی: هدف نهایی در تربیت اخلاقی، قُرب الهی است و غیر از آن در تربیت اخلاق اسلامی قابل قبول نخواهد بود. از این رو، همه افعال و اهداف میانی باید در راستای هدف قُرب الهی محقق شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ۹۳-۹۶). از طرفی، ارزش کارهای اختیاری، وابسته به تیت آن است و یکی از ویژگی‌های مهم نظام اخلاق اسلامی آنست که تیت به عنوان اساس ارزش اخلاقی و منشأ خوبی‌ها و بدی‌ها محسوب می‌شود و از این جهت، تفاوت اساسی با اکثر نظریه‌های اخلاقی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۱، ص ۱۰۵). از دیدگاه اسلام، کاری ارزشمند است که به تیت رضای الهی و در جهت قُرب به خدا صورت پذیرد و کمتر از آن دارای ارزش اخلاقی مثبت نخواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۱، ص ۱۰۸). البته، اگر با واسطه هم به خدا مرتبط شود، مثلاً برای رسیدن به نعمت‌های خداوند یا دوری از

عقاب و عذاب او باشد نیز ارزشمند است. از این‌رو، در تربیت اخلاقی همه کارهای ارزشمند حتماً باید به نیت هدف نهایی، یعنی قُرب الهی انجام پذیرد. چنین نیتی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فاعل به خداوند متعال ایمان قلبی و اعتقاد واقعی داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰). بنابراین، تحقق نیت صحیح مشروط به ایمان است. از این‌رو، اگر انسان ایمان نداشته باشد نیت الهی برای او محقق نمی‌شود و اگر نیت الهی محقق نشود، رفتار ارزشی مثبت قابل تحقق نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ج ۱ ص ۱۱۶-۱۱۷). به عبارت دیگر، ارزش‌های اخلاقی متوقف بر نیت الهی است، نیت الهی هم متوقف بر ایمان است، پس ارزش‌های اخلاقی متوقف بر ایمان است. بنابراین، ایمان مقدم بر دیگر ارزش‌های اخلاقی است.

طبق آنچه که در این قاعده بیان شد، لازمه ارزشی شدن هر یک از رفتارهای انسان، عبور از مرحله ایمان و داشتن نیت قُرب الهی است. ایمان، رفتاری است که در ساحت الهی محقق خواهد شد. از این‌رو، در میان چهار ساحت (الهی، فردی، اجتماعی، زیست محیطی) تربیت در ساحت الهی مقدم خواهد بود.

در مقام جمع‌بندی، می‌توان ادعا کرد که مجموع ادله، بیان‌کننده این مطلب هستند که جهت اصلاح امور انسان و تحقق تربیت اخلاقی در ساحت‌های رفتاری، ابتدا باید به فکر تربیت در ساحت الهی بود. از این‌رو، تا تربیت در ساحت الهی محقق نشود نمی‌توان آمیدی به تربیت در دیگر ساحت‌ها داشت. بر این مبنا، نخستین مرحله از مراحل تربیت اخلاقی، تربیت در ساحت الهی است.

۴.۲. مرحله دوم: تربیت در ساحت فردی

رفتار ساحت فردی به آن دسته از رفتارهای انسان که در رابطه با خود و نفس خویش صورت می‌پذیرد، اطلاق می‌گردد. تربیت در ساحت فردی، جهت‌دهی امیال درونی، تعادل‌گرایی و عواطف و احساسات و مانند آن مورد تأکید قرار می‌دهد. طبق ادله‌ای که در ادامه، خواهد آمد بعد از تربیت در ساحت الهی، نوبت به تربیت در ساحت فردی خواهد رسید. به عبارت دیگر، از میان سه ساحت فردی، اجتماعی، و زیست محیطی، «تربیت در ساحت فردی» مقدم است. برای اثبات این مدعا به چندین آیه و روایت استدلال خواهد شد.

۱. آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ



مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيَبْيُتُّكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداوند است. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد (سوره مائده، آیه ۱۰۵).

این آیه شریفه، توجه می‌دهد که اگر انسان به نفس خود توجه داشته باشد و به رفتارهای خود دقت نماید، دیگر لازم نیست که نگران رفتارهای دیگران و ارتباط با دیگران باشد. این آیه اشاره دارد به اینکه ضلالت دیگران نباید انسان را از مسیر هدایت دور کند؛ زیرا انسان اولاً و بالذات مسئول رفتارهای خودش است و باید به فکر هدایت خودش باشد و کسی را بخاطر رفتار نادرست دیگران مؤاخذه نخواهند کرد. مشابه این مطلب در آیات دیگری هم بیان شده است، مثلاً «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا» (سوره کهف، آیه ۶)؛ شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری [کار] شان تباه کنی (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۶۴).

همچنین عبارت «علیکم انفسکم» دلالت بر این نکته دارد که نفس مؤمن تنها راه هدایت اوست و نفس او خط سیری است که منتهی به پروردگار خواهد شد (علامه طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۶، ص ۱۶۵). بنابراین، آیه شریفه اشاره دارد که جهت در امان ماندن از آسیب‌هایی که در مسیر رفتار با دیگر انسان‌ها ممکن است متوجه انسان شود، انسان باید به خودش توجه نماید؛ در واقع، اصلاح رفتار انسان در ارتباط با نفس خود - که این نفس موضوع تربیت است - باید بر اصلاح رفتار او نسبت به دیگر مخلوقات مقدم شود و اصلاح رفتار در ساحت اجتماعی در اولویت دوم قرار خواهد گرفت.

۲. حضرت علی (ع) می‌فرمایند:

إِيَّهَا النَّاسُ إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتُكُمْ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَاسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةٍ إِلَّا وَاتَّاهَى قَبْلَكُمْ عَنْهَا (شریف الرضی، خطبه ۱۷۵، ص ۲۵۰).

در این فراز از خطبه شریف نهج البلاغه، امیرالمؤمنین (ع) با قسم جلاله، تأکید دارند که اول به خودم پرداختم و بعد از توجه به خود و اصلاح نفس خودم، رو به سوی شما آوردم و به شما تذکر می‌دهم و نسبت به امور مختلف امر و نهی می‌کنم؛ و به عبارتی، تلاش در تحقق اخلاق اجتماعی را پس از گذر از اخلاق فردی قرار دادم.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ

الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ.»؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟ (سوره بقره، آیه ۴۴). این آیه شریفه توجه به نفس می‌دهد و بیان می‌کند که انسان باید توجه به خود را از حیث رتبه، مقدم بر تصحیح رفتار اجتماعی داشته باشد؛ همان‌طور که امام صادق (ع) می‌فرماید: كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ (حمیری، ۱۴۱۳ق، متن، ص ۷۷)، یعنی ابتدا خودشناسی و خودسازی تحقق یافته باشد و عمل شخصی اصلاح شده باشد تا در مرحله بعد، دیگران از رفتار او الگو بگیرند.

از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که انسان ابتدا باید در رفتارهای نسبت به خود دقت کند و از خودفراموشی درآید و سپس به فکر دیگران و رفتار با آنها برآید. ممکن است کسی بگوید که آیه تنها در بیان امر به معروف و نهی از منکر است نه مطلق رفتارهای اجتماعی؛ از این‌رو، برای استدلال مورد نظر به کار نمی‌آید. در جواب می‌توان گفت که اگر قاعده «مورد، مخصّص نیست» را در مراجعه به آیات قرآن هم نپذیریم، باز هم این آیه بیان‌کننده برخی از رفتارهای اخلاقی در ساحت اجتماعی متربی هست؛ زیرا یکی از شئون اخلاق اجتماعی، امر به معروف و نهی از منکر است. بنابراین، این آیه می‌تواند به استدلال تقدم تربیت در ساحت فردی بر ساحت اجتماعی مدد رساند.

۳. قاعده تقدم اهم بر مهم: گاهی بین دو چیز غیر مساوی رابطه علی و معلولی یا سبب و مسببی وجود ندارد، ولی از آنجا که آن دو مساوی نیستند عقل حکم می‌کند که در مقام اجرا، باید نوعی تقدم و تأخر بین آنها لحاظ کرد؛ زیرا اهمیت و برتری همراه شیء اهم، او را بر شیء ای که اهمیتش کمتر است رجحان می‌بخشد و طبق قاعده عقلی «لزوم ترجیح راجح بر مرجوح» ضرورت دارد که اهم را بر مهم مقدم سازیم. تأیید این مطلب در برخی روایات آمده است. برای نمونه، در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) فرمودند:

مَنْ طَلَبَ الْعَقْلَ الْمُنْتَعَزَفَ فَلْيَعْرِفْ صُورَةَ الْأُصُولِ وَالْفُضُولِ فَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ يَطْلُبُونَ الْفُضُولَ وَيَضَعُونَ الْأُصُولَ (علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۷)؛ هر که جویای عقل عملی و بهنجار است، باید چیزهای اصلی و غیر اصلی را از یکدیگر بازشناسد و تمیز دهد؛ زیرا که بسیاری از مردمان به جست‌وجوی چیزهای غیر اصلی و زاید برمی‌خیزند و از به دست آوردن چیزهای اصلی غافل می‌مانند.

در این روایت، اشاره شده است که عاقل باید بین اصل و فرع تمیز دهد و در مقام عمل به اصل بپردازد که اگر این تقدم و تأخر مراعات نشود، سبب غفلت از اصل یا همان شیء مهم‌تر شده و آن را ترک خواهد کرد. حال سؤال این است که چرا بر اساس عقل و نقل باید امور اهم را بر



مهم ترجیح داد؟ یعنی اگر قاعده تقدم اهم بر مهم حاکم نشود، چه اتفاقی در تحقق آن دورخ می دهد؟ برای پاسخ به این پرسش، روایات متعددی قابل استناد هستند. در روایتی از امام علی (ع) آمده «مَنِ اشْتَغَلَ بِالْفُضُولِ فَاتَهُ مِنْ مُهِمَّةِ الْأُمُورِ»؛ هر کس به چیز بیهوده پردازد، از دست می دهد آنچه را که مهم و مطلوب است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷۷)، یعنی اگر کار اهم در اولویت اجرایی قرار نگیرد آنچه هدف و مطلوب است، فوت خواهد شد. در روایت دیگری از آن حضرت نیز به این مطلب اشاره شده که فرمودند: «مَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِمَا لَا يَجِبُ ضَيَّعَ مِنْ أَمْرِهِ مَا يَجِبُ» (لثبی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶). اگر کار غیر ضروری مقدم شود، کار ضروری ضایع و نابود می شود. همچنین در روایت دیگری از ایشان آمده است «مَنِ اشْتَغَلَ بِغَيْرِ الْمُهِمِّ ضَيَّعَ الْأَهَمَّ» (لثبی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۰)؛ کسی که به کار غیر مهم (کاری که در اولویت نیست) پردازد کار اهم را ضایع و تباه کرده است، یعنی اگر تقدم اهم بر مهم لحاظ نشود و انسان خودش را بر انجام شئی غیر ضروری مشغول سازد در واقع، شئی اهم را ضایع کرده است.

نتیجه آنکه هر گاه نتوان بین دو امر مطلوب و نامساوی قاعده علی و معلولی را کشف کرد، باید از حیث منطقی و در مقام اجرا، امر اهم را مقدم ساخت؛ چون اگر مهم مقدم شود امر اهم ضایع شده و آنچه مطلوب بوده فوت خواهد شد. در اینجا، تربیت در ساحت فردی اهم است و تربیت در ساحت های اجتماعی و محیط زیستی، مهم خواهد بود؛ علت اهمیت آن هم به این جهت است که تا امیال درونی به درستی جهت دهی نیابند و غرایز و احساسات و عواطف به صورت صحیح به تعادل نرسند، نفس انسان آمادگی پذیرش دیگر تربیت ها را نخواهد داشت؛ زیرا موضوع و بستر تربیت، نفس انسان است. در ضمن می توان اشاره کرد که انسان تا صفات حسنه را در خود تثبیت نکند نمی تواند آن را در دیگران نهادینه کند (فاقد الشئی لا یكون معطی الشئی).

در واقع، تربیت در ساحت فردی، زمینه را برای تربیت در ساحت های اجتماعی و زیست محیطی فراهم می سازد. حال باید بیان نمود که طبق قاعده «تقدم اهم بر مهم»، تربیت در ساحت فردی مقدم بر دو ساحت اجتماعی و محیط زیستی است و اتخاذ رفتار صحیح با خود، اهمیت ویژه ای به نسبت رفتار متری با دیگر مخلوقات دارد. از این رو، اهم آن است که این نفس در رابطه با خودش بهترین رفتار را اتخاذ نماید، سپس به اصلاح رابطه خود با دیگر مخلوقات پردازد. در مقام جمع بندی ادله و آیات و روایات می توان گفت - با توجه به آنچه در آیات و روایات و قاعده فوق آمد - میتوان گفت نتیجه آن است که بعد از تربیت در ساحت الهی (که مقدم بر همه ساحت هاست)، باید تربیت در ساحت فردی محقق شود و تربیت در دو ساحت اجتماعی و محیط زیستی منطقاً بعد از تربیت در ساحت فردی خواهند بود.

۴.۳. مرحله سوم: تربیت در ساحت اجتماعی

رفتار در ساحت اجتماعی، یعنی آن دسته از مجموعه رفتارهای اختیاری که مربی در مورد انسان‌های دیگر انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد تربیت در این ساحت، در رتبه سوم از مراحل تربیت اخلاقی قرار گیرد، یعنی بعد از تحقق دو مرحله از تربیت (تربیت در ساحت الهی و فردی)، مرحله سوم از تربیت، تربیت در ساحت اجتماعی خواهد بود. مجموع آیات و روایات و ادله بیان شده در دو مرحله قبلی، تاحدودی جایگاه سوم ساحت اجتماعی را در مراحل تربیت اخلاقی اثبات می‌کند، با این حال، به قاعده «تقدم اهم بر مهم» و یک روایت دیگر نیز اشاره خواهد شد.

۱. قاعده «تقدم اهم بر مهم»: متعلق رفتار در ساحت اجتماعی، انسان است، ولی در ساحت زیست محیطی، حیوانات و نباتات و جمادات هستند. خداوند متعال محیط زیست و هرآنچه در آن است را مسخر انسان کرده و می‌فرماید:

وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِی ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُونَ: و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است (سوره جاثیه، آیه ۱۳).

همه این نعمت‌ها برای مخلوقی به نام انسان خلق شده است و این انسان بر دیگر مخلوقات برتری داده شده است؛ «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکبها] برنشاندیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم (سوره اسراء، ۷۰). در مورد معنای «کثیر» دو دیدگاه وجود دارد: برخی از مفسرین کثیر را به معنای «جمع» دانسته و طبق این آیه انسان را بر همه مخلوقات برتر می‌دانند (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۱۹۹). برخی دیگر، معنای کثیر را «بسیاری» دانسته و قائلند که این آیه انسان را بر همه مخلوقات غیر ملائکه‌ای برتری داده است و اصلاً فرشتگان خارج از محل بحث هستند؛ چون بحث در مورد موجودات مادی است (علامه طباطبائی، ج ۱۳، ص ۱۵۷). حال به هر یک از دو معنا گرفته شود، در برتری جایگاه انسان بر حیوانات، گیاهان و جمادات تردیدی وجود ندارد. از این‌رو، می‌توان بیان کرد که جایگاه انسان در نظام هستی به نسبت دیگر مخلوقات زیست محیطی قابل مقایسه نیست. پس در بیان مقایسه میان این دو دسته از رفتار، عقل حکم می‌کند که رفتار در ساحت اجتماعی مقدم بر ساحت زیست محیطی است.



۲. روایت شریف امام باقر (ع):

إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَذْقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَكَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبُسْتَانِ وَكَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نَحْلَتِهِ وَلَا يَسْتَأْذِنُ، فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ، فَأَبَى سَمْرَةُ، فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَشَكَا إِلَيْهِ وَخَبَّرَهُ الْخَبَرَ، فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَبَّرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَمَا شَكَا وَ قَالَ: إِنْ أَرَدْتَ الدُّخُولَ، فَاسْتَأْذِنْ، فَأَبَى، فَلَمَّا أَبَى سَأَوْمَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ الثَّمَنِ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ، فَقَالَ: لَكَ بِهَا عَذْقٌ يُمَدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ، فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِلْأَنْصَارِيِّ: اذْهَبْ، فَأَقْلَعَهَا وَ ارْمِ بِهَا إِلَيْهِ؛ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضَرَارَ؛ سَمْرَةُ بْنُ جُنْدَبٍ، صَاحِبُ دَرْخَتِ نَخْلٍ بُوَدَ كَهْ بَارِ خَرَمَا دَاشَت، اَيْنِ دَرْخَتِ دَر حِيَاطِ مَنْزَلِ يَكِ انصَارِيِّ قَرَارِ دَاشَت. سَمْرَه بَدُونِ اِجَازَه، دَائِمًا بِهِ نَخْلِ خُودِ سَرِ مِيزِد. فَرْدِ انصَارِيِّ بِهِ اَوِ كُفْتُ كِه بَايِدِ اِجَازَه بَگِيرِي. سَمْرَه سَرِپِيجِي كَرْد. انصَارِيِّ نَزْدِ رَسُولِ خُدا شَكَايَتِ كَرْد. حَضَرَتِ فَرَمُودَنَد كِه بَايِدِ بَرَايِ وُرُودِ بَه مَنزَلِ انصَارِيِّ اِجَازَه بَگِيرِي. سَمْرَه دُوبَارَه سَرِپِيجِي كَرْد. حَضَرَتِ بَه اَوِ پِيشَنهادِ خَرِيدِ نَخْلِ اَوِ رَا دَاد، مُوَافَقَتِ نَكَرْد. حَضَرَتِ وَعَدَه نَخْلِ دَر بَهشتِ بَه سَمْرَه دَاد، نَپَذِيرَفَت. تَا اَيْنِ كِه حَضَرَتِ بَه انصَارِيِّ فَرَمُود: دَرْخَتِ نَخْلِ رَا اَز رِيشَه بَكَنِ وَ دَر مُقَابِلِ اَوِ بِنْدَازِ، ضَرَرِ وَ ضَرَرِ زَدَنِ مَعْنَا نَدَارَد (كَلِبِي، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۲).

طبق این روایت حضرت رسول (ص)، رفتار صحیح با دیگر انسان‌ها را نسبت به رفتار با نباتات در اولویت قرار داده و برای رفع منازعه، دستور به قلع نخل دادند. در حالی که می‌توانستند حق را به سمره داده و رفتار او را توجیه کنند. در این روایت، حضرت رفع مزاحمت از همسایه را در اولویت قرار می‌دهند، حتی به بهای آسیب رساندن به محیط زیست. با این توضیح، اصلاح رفتار با دیگر انسان‌ها مقدم است بر اتخاذ رفتار صحیح با محیط زیست و می‌توان ثابت کرد که تربیت اخلاقی در ساحت اجتماعی مقدم است بر تربیت اخلاقی در ساحت زیست‌محیطی.

۴.۴. مرحله چهارم: تربیت اخلاقی در ساحت زیست‌محیطی

ساحت زیست‌محیطی آن دسته از رفتار و افعال انسان را شامل می‌شود که متربی نسبت به جمادات، نباتات و حیوانات انجام خواهد داد. نتیجه کلی برآمده در مراحل گذشته حکایت از آن

دارد که در سیر تربیت اخلاقی، تربیت در ساحت‌های الهی و فردی و اجتماعی منطقاً بر تربیت اخلاقی در ساحت زیست محیطی مقدم هستند؛ چنان‌که پیش از این بیان شد، دلایلی از جمله «تقدم ایمان بر دیگر افعال ارزشی» مرحله تربیت در ساحت الهی را بر دیگر ساحت‌ها بویژه ساحت محیط زیست مقدم می‌دارد و دلایلی مانند قاعده «تقدم اهم بر مهم» مرحله تربیت در ساحت فردی را بر ساحت‌های اجتماعی و محیط زیست مقدم می‌کند و دلایلی از قبیل روایت سمرة بن جندب تربیت در ساحت اجتماعی را بر ساحت محیط زیست تقدم می‌دهد. از این‌رو، بیان مجدد آن ادله و آیات و روایات ضرورتی ندارد و روایتی از امیرالمؤمنین علی (ع) که فرمودند: «إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبَقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ»؛ شما مسئول هستید حتی نسبت به بناها و حیوانات (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۹)، نیز مؤیدی بر استدلال‌های پیش گفته است؛ زیرا بکار بردن «حتی» انتهاییه در روایت، حاکی از آن است که از نظر متکلم، آنچه بعد از حتی می‌آید در غایت و پایان حکم قرار دارد. از این‌رو، اگر ارتباط انسان در چهار ساحت الهی، فردی، اجتماعی، و زیست محیطی خلاصه شود و انسان نسبت به همه این روابط و رفتارهای صحیح مسئول باشد، تصحیح رفتار نسبت به محیط زیست در مرحله آخر قرار خواهد گرفت. بنابراین، چهارمین مرحله از مراحل کلی تربیت اخلاقی، مرحله تربیت در ساحت زیست محیطی است.

نکته‌ای که لازم است در انتها اشاره شود آن است که از نظر تعداد ادله و حجم استدلال ذیل مراحل بیان شده، هر چه به مراحل پایانی نزدیک‌تر می‌شویم، از تعداد و حجم آنها کاسته شده است؛ به این دلیل که در مرحله اول، مقام مقایسه بین چهار ساحت بوده، از این‌رو، به تعداد بیشتری دلیل نیاز است تا تقدم تربیت در ساحت الهی را بر سه ساحت دیگر اثبات کند، اما در مرحله دوم، مقام مقایسه بین سه ساحت باقیمانده است و به نسبت مرحله اول، به ادله کمتری نیاز است. همین‌طور در مرحله سوم که مقام مقایسه بین دو ساحت اجتماعی و زیست محیطی است؛ از این‌رو، به برای تعیین تقدم بین دو ساحت، به استدلال کمتری نسبت به مرحله قبلی نیاز است. در مرحله چهارم هم، امر کاملاً مشخص است و در واقع، از قبل تعیین تکلیف شده است و به استدلال مستقلی نیاز نخواهد بود.

۵. نتیجه‌گیری

پرسش اصلی مقاله حاضر این بود که تربیت اخلاقی ناظر به ساحت‌های چهارگانه رفتار انسان با



ملاک ترتیب منطقی، چگونه مرحله‌بندی خواهد شد؟ آنچه که از مجموع آیات و روایات و ادله عقلی حاصل شد، این هست که اگر رفتارهای انسان را در چهار ساحت الهی، فردی، اجتماعی و زیست محیطی خلاصه نماییم، در مقام تربیت اخلاقی لازم است که ابتدا مربی به دنبال متخلق شدن در ساحت الهی باشد و سپس به تربیت خود در ساحت فردی بپردازد و در مرحله سوم و چهارم به ترتیب به تصحیح رفتارهای اخلاقی خود در ساحت‌های اجتماعی و زیست محیطی همت گمارد. ممکن است پرسیده شود که آیا این ترتیب به دست آمده یقینی است و با تغییر آن تربیت اخلاقی محقق نمی‌گردد؟ در پاسخ باید گفت: این مرحله‌بندی در یک نگاه کلی صورت گرفته است و در مرحله‌بندی کلی و فارغ از جزئیات، ترتیبی غیر از آنچه که گفته شد مطلوب نیست و تغییر در آن، سبب عدم دستیابی به تربیت مورد نظر اسلام می‌شود؛ جایگاه نیت قرب الهی در عمل و جایگاه ایمان در ارزشمندی رفتارهای اخلاقی، به ما اجازه نمی‌دهد که تربیت در ساحت الهی را از رتبه اول خارج سازیم. همچنین تأثیر متعادل بودن نفس برای تحقق رفتارهای اخلاقی، مانع از آن خواهد شد که تربیت در ساحت فردی را مؤخر از تربیت در ساحت‌های اجتماعی و زیست محیطی نماییم.

در ضمن، طبق ادله نقلی، اصلاح رفتار در ساحت اجتماعی بر ساحت محیط زیستی تقدم دارد. بنابراین، طبق ملاک ترتیب منطقی، مراحل تربیت اخلاقی همان است که در پیش‌تر اشاره شد. همچنین این نتیجه حاکی از اهمیت بالای تربیت در ساحت الهی و در مراتب پایین‌تر، تربیت در دیگر ساحت‌هاست؛ چرایی این مطلب با توجه به اخلاق توحیدی قابل تفسیر است. در این نگاه از اخلاق که به نظر می‌رسد بهترین و باارزش‌ترین نوع اخلاق است، همه رفتارهای اخلاقی در رابطه با توحید، ارتباط با خدا و در ضمن ایمان به او تفسیر و تبیین خواهد شد و آنچه که در این مقاله هم اثبات شد، تقدم تربیت در ساحت الهی است.

نکته قابل توجه دیگر آن است که این مرحله‌بندی در سطح بسیار کلان از مجموع رفتارهای انسان ترسیم شده است، در حالی که رفتارهای جزئی فراوانی در ذیل این ساحت‌های رفتاری وجود دارد.

از این‌رو، اگر به جای ساحت‌های چهارگانه، رفتار جزئی مرحله‌بندی می‌شد، احتمالاً تا اندازه‌ای چیدمان مراحل تربیت اخلاقی تغییر می‌کرد. پیشنهاد می‌گردد که برای اجرای بهتر تربیت اخلاقی، در پژوهش مستقل دیگری، رفتارهای جزئی ملاک مرحله‌بندی قرار گیرد تا در ضمن آن، مراحل کاربردی‌تری به دست آید.

فهرست منابع

* قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند).

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمانی. (چاپ ششم). تهران: انتشارات کتابچی.
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). (مصحح: علی اکبر غفاری). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. (محقق: جمال الدین میردامادی). بیروت: دار الفکر.

اکرمی، ایوب. (۱۳۹۲). فرایند تربیت اخلاقی انسان در قرآن با نگاه به ترتیب نزول سور و آیات. (رساله دکتری). مشهد: دانشگاه فردوسی.

امیری، خیرالله. (۱۴۰۱). بررسی مراحل تربیت اخلاقی کودکان با تأکید بر منابع اسلامی. (رساله دکتری). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

باقری، خسرو. (۱۴۰۱). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. (ج ۱، چاپ پنجاه و دوم). تهران: انتشارات مدرسه.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ ق). قُرب الإسناد. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
دُبس، موريس. (۱۳۸۸). مراحل تربیت. (ترجمه: علی محمد کاردان، چاپ دوازدهم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. (چاپ دوم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت - دمشق: دار القلم - الدار الشامیه.

رجبی، طاهره؛ نیک آیین، محمود؛ نجفی، محمد. (۱۳۹۵). مراحل تربیت انسان اخلاقی با تأکید بر نقش اراده. مجله اخلاق، ۶(۲۱)، ۸۸-۶۵. <https://www.sid.ir/paper/515119/fa>.
شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح). (مصحح: فیض الإسلام). قم: هجرت.

شریفانی، محمد؛ قمی، محسن. (۱۳۹۲). فرایند تربیت انسان. شیراز: نشر سماء قلم.
شیخ حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۰). الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه (کلیات حدیث قدسی). (چاپ سوم). تهران: انتشارات دهقان.

طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۹۰ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم).



- بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- عبد النعیم، محمد حسنین. (۱۳۷۵). قاموس الفارسیه. (چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق). الکافی. (محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم). تهران: دارالکتب - الإسلامية.
- گروهی از نویسندگان. (۱۳۹۱). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی (زیر نظر استاد مصباح یزدی). (چاپ دوم). تهران: انتشارات مدرسه.
- لیثی واسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. قم: دارالحديث.
- مجلسی، محمد باقر (علامه مجلسی). (۱۴۰۳ ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. (محقق: جمعی از محققان، چاپ دوم). بیروت: دارإحياء التراث العربي.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۴). به سوی خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱ ب). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. (ترجمه و تدوین: حسینعلی عربی و محمد مهدی نادری قمی، چاپ ششم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. (نگارش: احمد حسین شریفی، چاپ پنجم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۱ الف). اخلاق در قرآن. (چاپ پنجم). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- مظاهری، حسین. (۱۴۱۳ ق). داراسات فی الاخلاق قم: انتشارات شفق.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، (چاپ دهم). تهران: دارالکتب الإسلامية.
- موسوی‌نسب، محمد صادق. (۱۳۹۰). طراحی و تبیین الگوی عمومی تربیت دینی در قرآن با تأکید بر تربیت بزرگسالان. (رساله دکتری). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).
- موسوی، سید عباس؛ مددی، علی. (۱۳۹۹). بررسی مراحل تعلیم و تربیت بر اساس اولویتهای محتوایی. نشریه گفتمان فقه تربیتی، ۲(۳۰)، ۶۵-۹۵. <http://noo.rs/HSUAN>
- همت بناری، علی. (۱۳۷۹). تربیت اخلاقی و ضرورت نگاهی دوباره به آن. نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱(۲)، ۱۶۵-۱۹۲. <http://noo.rs/ixWaz>